






فصلنامه خانواده‌درمانی کاربردی

# طراحی مدل ساختاری مناسب برای پیش‌بینی سوءاستفاده از کودکان براساس مؤلفه‌های ویژگی‌های شخصیتی و پیوند والدین

گروه علوم تربیتی، واحد مشهد، دانشگاه آزاد اسلامی، مشهد، ایران  
گروه علوم تربیتی، واحد مشهد، دانشگاه آزاد اسلامی، مشهد، ایران  
گروه علوم تربیتی، واحد مشهد، دانشگاه آزاد اسلامی، مشهد، ایران

تهمینه بهمنی   
نازیاسادات ناصری\*   
الهام فریبرز 

dr.naseri@mail.com

ایمیل نویسنده مسئول:

پذیرش: ۱۴۰۰/۰۶/۱۶

دریافت: ۱۴۰۰/۰۱/۲۱

فصلنامه علمی پژوهشی  
خانواده‌درمانی کاربردی

شاپا (الکترونیکی) ۲۴۳۰-۲۷۱۷

<http://Aftj.ir>

دوره ۲ | شماره ۳ | پیاپی ۷ | ۲۳۷-۲۵۴

پاییز ۱۴۰۰

نوع مقاله: پژوهشی

چکیده

**هدف:** هدف این پژوهش تعیین مدل ساختاری پیش‌بینی سوء استفاده از کودکان بر اساس ویژگی‌های شخصیتی و پیوند والدین بود. **روش پژوهش:** پژوهش حاضر توصیفی-همبستگی و جامعه آماری ۲۴۸۵۹۴ دختر مقطع متوسطه شهر مشهد در سال ۹۶-۹۸ بود که ۳۸۴ دختر به همراه والدین‌شان به صورت تصادفی چند مرحله‌ای انتخاب شدند. ابزارهای پژوهش پرسشنامه ویژگی‌های شخصیتی کاستا و مک کری (۱۹۸۹)، مقیاس پرسشنامه پیوند خانوادگی گوردن پارکر (۱۹۷۹) و مقیاس پرسشنامه ترومای دوران کودکی برنستاین و همکاران (۲۰۰۳) بود. داده‌های جمع‌آوری شده با استفاده از ضرایب همبستگی و مدل ساختاری تحلیل مسیر تجزیه و تحلیل شد **یافته‌ها:** نتایج نشان داد که طراحی مدل ساختاری پیش‌بینی سوء استفاده از کودکان بر اساس ویژگی‌های شخصیتی والدین و پیوند والدینی با مدل نظری مطابقت داشته و از برازش مطلوبی برخوردار است. نتایج نشان داد بین پیوند والدینی در مراقبت و پیوند والدینی در حمایت عاطفی با ویژگی‌های شخصیتی برون‌گرایی، وظیفه‌شناسی، دلپذیر بودن و مسئولیت‌پذیر بودن همبستگی مثبت معنادار ( $P=0/01$ ) و با آزار عاطفی، آزار جسمی، آزار جنسی، غفلت و سوءتغذیه همبستگی منفی معناداری ( $P=0/01$ ) دارد؛ همچنین مسیر مستقیم پیوند والدینی در مراقبت، حمایت عاطفی، ویژگی‌های شخصیتی والدین سهم روان رنجوری، برون‌گرایی، انعطاف‌پذیری، دلپذیر بودن و با مسئولیت‌پذیر بودن بر سوء استفاده از کودکان معنادار است ( $P=0/01$ ). **نتیجه‌گیری:** این پژوهش ضرورت بررسی ویژگی‌های شخصیتی و راهبردهای رویارویی والدین با فرزندان و نیز اهمیت پیوند والدینی را برای شناخت هرچه بیشتر والدین و تدوین برنامه‌های درمانی مناسب مطرح می‌کند.

به این مقاله به شکل زیر استناد کنید:  
درون متن:

(بهمنی، ناصری و فریبرز، ۱۴۰۰)

در فهرست منابع:

بهمنی، تهمینه، ناصری، نازیاسادات، و فریبرز، الهام. (۱۴۰۰). طراحی مدل ساختاری مناسب برای پیش‌بینی سوءاستفاده از کودکان براساس مؤلفه‌های ویژگی‌های شخصیتی و پیوند والدین. *فصلنامه خانواده‌درمانی کاربردی*، ۲(۳ پیاپی ۷): ۲۳۷-۲۵۴.

**کلیدواژه‌ها:** سوءاستفاده از کودکان، پیوند عاطفی والدین، ویژگی‌های شخصیتی

## مقدمه

کودک آزاری<sup>۱</sup> به عنوان یک پدیده اجتماعی- فرهنگی که نشان دهنده بحران در یک جامعه است، امروزه روند رو به رشدی را در جامعه ما طی می‌کند (رستمی، سعادت و قزلسفلو، ۱۳۹۴). تحقیقات و پژوهش‌ها نشان می‌دهند کسانی که سابقه سوءاستفاده از کودکان در دوران کودکی خود دارند در آینده اختلالات شناختی، شخصیتی، تجربه‌ای، اضطرابی، شبه جسمی، اشکالات کلامی «تأخیر در حرف زدن»، کاهش اعتمادبه‌نفس، افسردگی و افکار خودکشی و همچنین عقب‌ماندگی رشد اجتماعی را خواهند داشت (پورنقاش تهرانی و امینی تهرانی، ۱۳۹۸). همچنین این کودکان، دارای کارکرد اجتماعی مختل به صورت عدم سازگاری با محیط منزل و مدرسه، خیالبافی دائم کودکانه، بیش‌فعالی، آزار هم‌کلاسی، خواهر و برادر کوچک‌تر و آزار حیوانات می‌گردد (رستمی، عبدی و حیدری، ۱۳۹۳). یکی از عواملی که می‌تواند با سوءاستفاده از کودکان ارتباط داشته باشد ویژگی‌های شخصیت والدین است (قزلسفلو و رستمی، ۱۳۹۴)؛ امروزه بسیاری از محققان بر این عقیده‌اند که مدل پنج‌عاملی شخصیت می‌تواند دانش ما را درباره شخصیت و سلامتی افزایش دهد (خوشنویس، افروز و اسماعیلی، ۱۳۹۳). چنانکه می‌توان هر یک از ۵ عامل اصلی روان‌آزرده‌خویی، برون‌گرایی، انعطاف‌پذیری، سازگاری و وجدانی بودن را به عنوان مجموعه‌ای از صفات سازش‌یافته دانست که می‌توانند هم به فرد و هم به گروه جهت رسیدن به نیازهای اساسی‌شان کمک نمایند (روتون، هید، کلینبرگ و استاینفیلد، ۲۰۱۱). بالبی<sup>۲</sup>، ۱۹۸۸؛ ادعا می‌کند که دلبستگی یک نظام محرک‌گریزی رفتاری یا بیولوژیک است که تضمین‌کننده نزدیک ماندن و ارتباط کودک و مادر بوده تا ایمنی آن‌ها را تضمین کند؛ در همین راستا تصور بر این است که رابطه‌های دلبستگی هم در کودکان و هم در بزرگسالان، تحت کنترل یک نظام واحد بیولوژیکی است (سالکون، ۲۰۱۵). یک دلبستگی ایمن زمینه‌ای برای نمایه‌های دلبستگی یا مراقبان فراهم می‌آورد تا به عنوان پایگاهی ایمن برای کودکان عمل کنند که به‌واسطه آن کودکان قادر به اکتشاف محیط و یادگیری از آن هستند (هاشمی، درتاج، سعدی پور و اسدزاده، ۱۳۹۶). همچنین بالبی، ۱۹۶۹؛ بیان می‌کند که این تجارب اولیه‌ی دلبستگی، بر ایجاد مدل‌های کارکردی درونی اثرگذارند (خراسانی زاده، پورشریفی، رنجبری پور، باقری و پویامنش، ۱۳۹۸). مدل‌هایی که ادراکات، نگرش‌ها و تجارب بین فردی آینده را تحت تأثیر قرار خواهند داد، مدل‌های کارکردی درونی است که در واقع طرحواره‌های پیچیده‌ای هستند که شامل اجزای عاطفی، دفاعی و توصیفی شناختی مرتبط با جنبه‌های خود، نمایه‌ی دلبستگی و تعاملات دلبستگی می‌باشند. کودک در خانه با فلسفه اجتماعی جامعه و ارتباطات اجتماعی آشنا می‌شود (سیمارد، موس و پاسکازو، ۲۰۱۱). در والدین بهنجار اشتراک و همراهی آن‌ها برای تعیین هدف‌های فرزندپروری سالم و تأمین مصالح آنان، پیروی از روش‌های عقلانی در کلیه امور خانوادگی، شرکت دادن تمام اعضای خانواده در تصمیم‌گیری‌هایی که مربوط به امور خانوادگی است و تقسیم‌کار و مسئولیت میان اعضای خانواده و همچنین فرصت دادن برای اظهار نظر فرزندان در محیط خانواده به چشم می‌خورد (رحمانی، یارمحمدزاده و حبیبی کلپیر، ۱۳۹۶)؛ به این ترتیب بچه نیز از این وضع استفاده می‌کند و اسباب رشد او در جنبه‌های مختلف شخصیتی بهتر فراهم

1. Child abuse

2. Bowlby

می‌گردد سیستم والدینی به عنوان اولین کانونی که فرد در آن قرار می‌گیرد دارای اهمیت شایان توجهی است (لی و کیم، ۲۰۱۱).

واضح است اگر والدین از صلاحیت کافی برخوردار نباشد، فرزندان آسیب دیده و پس از ورود به جامعه و کنش متقابل اجتماعی با سایرین، بیماری خویش را به دیگران سرایت داده، ساختار جامعه را از هم فرومی‌پاشند (رستمی و همکاران، ۱۳۹۳)؛ و گاهی ممکن است یک رفتار نامعقول و غیرمعقول اجتماعی، در اثر همین تعاملات به صورت یک رفتار پسندیده، در جامعه ظهور کند (فزلسفلو و رستمی، ۱۳۹۴). همین‌طور اگر والدین یک جامعه، بهنجار و متعادل باشند، جامعه نیز از سلامت واقعی برخوردار خواهد بود (تسای، چن، چن، هسیائو و چن، ۲۰۱۱). بدرفتاری با کودک اصطلاحی است که برای توصیف شیوه‌هایی که کودکان ممکن است به‌وسیله بزرگ‌سالان مورد بدرفتاری قرار گیرند استفاده می‌شود و رفتاری به‌سوی شخص دیگر است که خارج از هنجارهای رفتار است و علت خطر اساسی آسیب فیزیکی یا هیجانی به کودک است (رستمی و همکاران، ۱۳۹۴).

کودکان در خلأ رشد نمی‌کنند. رشد آن‌ها در بافت خانواده، محله، جامعه، کشور و جهان صورت می‌گیرد. در این بافت، آن‌ها تحت تأثیر والدین، خواهران و برادران، سایر منسوبین، دوستان، هم‌تایان و سایر بزرگ‌سالانی که در تماس با آنان قرار می‌گیرند، هستند. در میان تمام عوامل اجتماعی - اقتصادی اثرگذار در رشد کودک، هنوز هم خانواده انتقال‌دهنده‌ی اصلی ارزش‌ها، اصول اخلاقی، آرمان‌ها، عادت‌ها و شیوه‌های تفکر و عمل به شمار می‌آید (رایس، ۲۰۰۱، ترجمه فروغان، ۱۳۸۷). خانواده از طریق گفتگو و سرمشق دهی به شخصیت کودک شکل می‌دهد و شیوه‌های فکری و روش‌های عملی‌ای که به عادت تبدیل می‌شوند را در او القا می‌کند (کوچابسکا، ۱۹۹۰، به نقل از رایس، ۲۰۰۱، ترجمه فروغان، ۱۳۸۷). همچنین پژوهشگران معتقدند که روابط والد - فرزندی در جهت‌یابی‌های شخصیتی و رشد نیازهای روان‌شناختی و سایر خصوصیات تأثیر می‌گذارد. از نظر تاریخی مؤثرترین دیدگاه‌ها در مورد خانواده و اثرات آن بر شخصیت کودک به وسیله نظریه پردازان روان‌تحلیلی و یادگیری اجتماعی ارائه شده است. روان‌تحلیلگران رشد را نتیجه حرکت کودک از میان تعارض‌های روانی - جنسی که نقش مهمی در روابط بین کودک و والدین بازی می‌کند، می‌دانند و نظریه پردازان اجتماعی از دریچه اصول یادگیری، یعنی جنبه‌هایی چون به‌کارگیری تشویق و تنبیه و با الگودهی، به تأثیر خانواده می‌نگرند. این نظریات باعث شده است که پژوهشگران در پژوهش‌های خود به دنبال این موضوع باشند که چه دسته‌ای از صفات شخصیت کودک تحت تأثیر چه نوعی از رفتار والدین خود در آینده قرار می‌گیرند (سعیدی، ۱۳۹۱).

با توجه به اثراتی که سوءاستفاده از کودکان در سلامت کودکان دارد و اثرات درازمدت آن در زندگی بزرگ‌سالی نمود پیدا می‌کند که سلامت روانی را تهدید می‌کند لازم است تحقیقاتی در این زمینه انجام شود و عوامل مؤثر و ابعاد گوناگون آن بررسی شود. همچنین تحقیقات کمی در این زمینه وجود دارد که نتایج تحقیق حاضر می‌تواند راهگشای تحقیقات بعدی باشد و نتایج آن در مراکز مشاوره و خانواده استفاده شود. پژوهش حاضر عبارت است. لذا مسئله پژوهش در این تحقیق به تدوین ارائه مدلی جهت تعیین عوامل ویژگی‌های شخصیتی و پیوند والدین با سوءاستفاده از کودکان است. در نهایت به این سؤال اساسی زیر پاسخ دهد.

۱. مدل ساختاری مناسب برای پیش‌بینی سوءاستفاده از کودکان بر اساس ویژگی‌های شخصیتی و پیوند والدینی چگونه است؟

### روش پژوهش

پژوهش حاضر از لحاظ هدف پژوهشی بنیادی و از نظر روش جزء پژوهش‌های توصیفی-همبستگی از نوع اکتشافی-متوالی و هدایت شده است که به طراحی مدل ساختاری مناسب برای پیش‌بینی سوءاستفاده از کودکان بر اساس مؤلفه‌های ویژگی‌های شخصیتی و پیوند والدینی در دانش آموزان پرداخته است. جامعه آماری، شامل کلیه کودکان مقطع سنی ۱۳ الی ۱۵ سال مقطع دبیرستان دوره اول شهر مشهد و والدین آن‌ها در سال ۹۶-۹۸ که بالغ بر ۲۴۸۵۹۴ نفر بودند. نمونه‌گیری به صورت تصادفی چندمرحله‌ای و حجم نمونه بر اساس نرم‌افزار سمپل پاور برآورد اندازه نمونه (۵۱۰ نفر) و با توجه به احتمال ۲۰ درصد افت آزمودنی‌ها تعداد نمونه ۵۳۰ دانش‌آموز (۲۶۵ پسر و ۲۶۵ دختر) و ۱۰۶۰ والدین آن‌ها انتخاب شد.

### ابزار پژوهش

۱. پرسشنامه ۵ عاملی نئو فرم کوتاه<sup>۱</sup>. پرسشنامه شخصیتی نئو فرم کوتاه که دارای ۶۰ سؤال است توسط کاستا و مک‌کرا ۱۹۸۹ ارائه و برای ارزیابی پنج عامل اصلی شخصیت روان رنجور خوبی سؤال‌های ۱، ۶، ۱۱، ۱۶، ۲۱، ۲۶، ۳۱، ۳۶، ۴۱، ۴۶، ۵۱ و ۵۶، برون‌گرایی سؤال‌های ۲، ۷، ۱۲، ۱۷، ۲۲، ۲۷، ۳۲، ۳۷، ۴۲، ۴۷، ۵۲ و ۵۷، گشودگی سؤال‌های ۳، ۸، ۱۳، ۱۸، ۲۳، ۲۸، ۳۳، ۳۸، ۴۳، ۴۸، ۵۳ و ۵۸، موافق بودن سؤال‌های ۴، ۹، ۱۴، ۱۹، ۲۴، ۲۹، ۳۴، ۳۹، ۴۴، ۴۹، ۵۴ و ۵۹، با وجدانی بودن سؤال‌های ۵، ۱۰، ۱۵، ۲۰، ۲۵، ۳۰، ۳۵، ۴۰، ۴۵، ۵۰، ۵۵ و ۶۰ به کار می‌رود. کاستا و مک‌کرا ۱۹۹۲ ضریب پایایی ۰/۸۶ برای روان رنجور خوبی و ۰/۷۷ برای برون‌گرایی، ۰/۷۳ برای گشودگی ۰/۶۸ برای موافق بودن و ۰/۸۱ برای با وجدانی بودن، گزارش کردند. در ایران ضریب پایانی به دست آمده توسط گروسی ۱۳۷۷ برای عوامل روان رنجوری، برون‌گرایی، گشودگی، موافق بودن و با وجدانی بودن به ترتیب ۸۳/۰، ۰/۷۵، ۸۰/۰، ۷۹/۰، ۷۹/۰ بوده است (ملازاده، ۱۳۸۱) و ضریب آلفای کرونباخ در پژوهش خوشنویس و همکاران (۱۳۹۳) برای پنج عامل بین ۰/۷۱ تا ۰/۸۲ گزارش شد. در پژوهش حاضر نیز ضریب آلفای کرونباخ پنج عامل به ترتیب ۰/۶۶/۰، ۷۳/۰، ۶۸/۰، ۳۲/۰، ۷۴/۰، ۶۹/۰ به دست آمد.

۲. مقیاس خودگزارشی کودک آزاری<sup>۲</sup>. مقیاس ۲۵ سؤالی خودگزارشی کودک آزاری توسط نوربخش (۱۳۹۲) و در پنج بعد آزار جسمی سؤال‌های ۱، ۵، ۹، ۱۳ و ۱۷، آزار جنسی سؤال‌های ۲، ۶، ۱۰، ۱۴ و ۱۸، غفلت یا بی‌توجهی سؤال‌های ۳، ۷، ۱۱، ۱۵ و ۱۹، سوءتغذیه سؤال‌های ۴، ۸، ۱۲، ۱۶، ۲۰ و آزار عاطفی سؤال‌های ۲۱، ۲۲، ۲۳، ۲۴ و ۲۵ را بررسی می‌کند. معیار اندازه‌گیری پرسشنامه، مقیاس پنج گزینه‌ای لیکرت است که از خیلی کم = ۱ تا خیلی زیاد = ۵ نمره‌گذاری می‌شود؛ برای به دست آوردن امتیاز مربوط به هر بعد، مجموع امتیازات سؤالات مربوط به آن بعد را با هم جمع می‌نماییم و برای به دست آوردن امتیاز کلی پرسشنامه، مجموع امتیازات همه سؤالات را با هم جمع می‌کنیم؛ نمرات بالاتر نشان دهنده آزار بیشتر

1. NEO-Personality Inventory – Revised (NEO-FF-R)

2. Child Abuse Self-Report Scale

و نمرات کمتر نشان دهند آزار کمتر فرد در دوران کودکی است. نوربخش (۱۳۹۱) روایی محتوایی آن به تأیید دو متخصص روانشناسی بالینی و یک دکتر روانشناسی عمومی رسید؛ همچنین روایی صوری نیز توسط دو تن از اساتید دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی تأیید شد. پایایی این مقیاس نیز با قابلیت اعتماد آن با استفاده از روش اندازه‌گیری آلفای کرونباخ محاسبه شد؛ که ضریب آلفای کرونباخ برای نمره کل برابر با ۰/۸۰، برای خرده مقیاس کودک آزاری جسمی برابر با ۰/۶۹، کودک آزاری جنسی برابر با ۰/۷۲، غفلت یا بی‌توجهی برابر با ۰/۷۰، سوء‌تغذیه ۰/۸۲ و کودک آزاری عاطفی برابر با ۰/۷۷ گزارش شد (نوربخش، ۱۳۹۱). همچنین در پژوهش اسکندری و رفاهی (۱۳۹۵) که بر روی ۲۳۰ زن و مرد متأهل انجام شده بود ضریب آلفای کرونباخ برای نمره کل برابر با ۰/۸۸ و برای خرده مقیاس کودک آزاری جسمی برابر با ۰/۷۴، کودک آزاری جنسی برابر با ۰/۷۷، غفلت یا بی‌توجهی برابر با ۰/۷۶، سوء‌تغذیه ۰/۸۵ و کودک آزاری عاطفی برابر با ۰/۸۰ به دست آمد. در پژوهش حاضر نیز ضریب آلفای کرونباخ برای نمره کل برابر با ۰/۸۶ و برای خرده مقیاس کودک آزاری جسمی برابر با ۰/۷۰، کودک آزاری جنسی برابر با ۰/۷۱، غفلت یا بی‌توجهی برابر با ۰/۷۳، سوء‌تغذیه ۰/۷۹ و کودک آزاری عاطفی برابر با ۰/۷۸ به دست آمد.

**۳. پرسشنامه پیوند خانوادگی.** این پرسشنامه توسط گوردن پارکر، هیلاری تاپلینگ و ال. بی. بران در سال ۱۹۷۹ ساخته شده است که از ۲۵ گویه و ۲ خرده مقیاس مراقبت (۱۲ سؤال) و حمایت افراطی (۱۳ سؤال) تشکیل شده است که به منظور سنجش پیوند خانوادگی بکار می‌رود (بهزادی، ۱۳۹۰). نمره‌گذاری پرسشنامه به صورت طیف لیکرت ۴ نقطه‌ای است که برای گزینه‌های «خیلی زیاد»، «تقریباً زیاد»، «تقریباً کم» و «خیلی کم» به ترتیب امتیازات ۰، ۱، ۲ و ۳ در نظر گرفته می‌شود. گویه‌های ۱، ۵، ۶، ۱۳-۸، ۱۷، ۱۹ و ۲۰ به صورت معکوس نمره‌گذاری می‌شوند (پارکر و همکاران، ۱۹۷۹)؛ حداکثر نمره خرده مقیاس مراقبت ۳۶ و حداکثر نمره خرده مقیاس حمایت افراطی ۳۹ است و نمره بالا در مقیاس توجه به معنی آن است که والدین افرادی همدل، گرم، فهیم و دارای برخوردی دوستانه هستند؛ آن‌ها معمولاً در کنار نوجوان حضور دارند، با او گفتگو می‌کنند و او را می‌فهمند. از سوی دیگر نمره پایین در این مقیاس نشان می‌دهد که والدین افرادی سرد و طردکننده‌اند، بدون آن که منشأ اثر باشند و توجه کافی به فرزندشان داشته باشند. در یک انتهای مقیاس کنترل، والدین با عباراتی نظیر حمایت‌کننده‌ی افراطی، عامل وابستگی و کودک ماندگی و نیز متجاوز و کنترل‌کننده توصیف می‌شوند؛ در انتهای دیگر طیف، والدین به فرزند خودمختاری می‌دهند. نمره بالا که به معنی کنترل افراطی است، یکی از عوامل خطرآفرین عمده به شمار می‌آید (بهزادی، سروقد و سامانی، ۱۳۹۰). در بررسی اولیه قابلیت شاخص‌های روانسنجی در تحلیل عاملی به شیوه مؤلفه‌های اصلی دو شاخص نسبت KMO فرم مادر ۰/۸۸۴ و فرم پدر ۰/۸۸۸ و آزمون بارلت فرم مادر ۲۸۶۶/۳ و فرم پدر ۲۹۲۰/۲ گزارش شد؛ چهار عامل مستخرج از ماتریس همبستگی، همبستگی پرسش‌های پرسشنامه را در فرم مادر در مجموع ۵۰/۸٪ واریانس پرسشنامه و در رابطه با فرم پدر ۵۱/۱٪ واریانس پرسشنامه را پوشش می‌دادند. طبق نتایج حاصل از چرخش ماتریس چهار عاملی پرسشنامه پیوند والدینی (فرم مادر) به شیوه متعامد (واریماکس) بر اساس ماتریس مؤلفه‌های چرخش داده شده، گویه‌های ۱-۵-۶-۱۱-۱۲-۱۴-۱۷ بر روی عامل ۱ (عامل رابطه صمیمانه)، گویه‌های ۸-۹-۱۰-۱۳-۱۹-۲۰-۲۳ بر روی عامل ۲ (عامل تلاش برای وابستگی)، گویه‌های ۲-۴-۱۶-۱۸-۲۴ بر روی عامل ۳ (عامل بی‌تفاوتی) و گویه‌های ۳-۷-۱۵-۲۱-۲۲-۲۵ بر روی عامل ۴ (عامل تشویق به استقلال) قرار گرفته است؛ همچنین نتایج حاصل از چرخش

ماتریس چهار عاملی به شیوه متعامد (واریماکس) بر اساس ماتریس مؤلفه‌های چرخش داده شده نشان می‌دهد که در فرم پدر گویه‌های ۱-۵-۶-۱۱-۱۲-۱۴-۱۷-۲۴ بر روی عامل اول (عامل رابطه صمیمانه)، گویه‌های ۸-۹-۱۰-۱۳-۱۹-۲۰-۲۳ بر روی عامل دوم (عامل تلاش برای وابستگی)، گویه‌های ۳-۷-۱۵-۲۱-۲۲-۲۵ بر روی عامل سوم (عامل تشویق برای استقلال) و گویه‌های ۲-۴۱۸-۱۶ بر روی عامل چهارم (عامل بی‌تفاوتی) قرار گرفته است. ضریب آلفای کرونباخ برای عوامل به دست آمده و ضریب اعتبار این عوامل به شیوه بازآزمایی به فاصله‌ی یک هفته مورد بررسی قرار گرفت (بهزادی و همکاران، ۱۳۹۰).

**شیوه اجرا.** از آن جایی که شهر مشهد به عنوان کلان شهر با جمعیت دانش آموزی میلیونی ۱،۱۹۶،۶۳۴ نفر دارای مناطق و نواحی مختلف آموزش و پرورش است، از بین مناطق شمال، جنوب، شرق، غرب شهر مشهد، بر اساس نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای چندمرحله‌ای ۴ مدرسه دخترانه و چهار مدرسه پسرانه و از هر مدرسه دو کلاس انتخاب شدند، سپس از والدین دانش آموزان انتخاب شده درخواست شد تا در جلسه اولیا و مربیان شرکت نموده و پس از توضیح در مورد نحوه اجرای پرسشنامه و همچنین هدف از پژوهش به سؤالات پاسخ دهند و حدالمقدور هیچ گزینه‌ای را بدون پاسخ رها نکنند. مایل به همکاری جهت پاسخ‌دهی به پرسشنامه‌ها و نیز تکمیل فرم رضایت آگاهانه و کسب آسودگی درباره محرمانه بودن اطلاعات شخصی جهت شرکت در مطالعه انجام گردید. پس از انجام مصاحبه اولیه از آزمودنی‌ها خواسته شد تا به سؤالات مذکور پاسخ دهند. در هنگام بررسی، پرسشنامه‌هایی که ناقص و بدون پاسخ و یا به دو گزینه پاسخ داده بودند، کنار گذاشته شد در نهایت ۵۳۰ پرسشنامه به عنوان نمونه مورد مطالعه، در نرم افزار معادلات ساختاری اس.پی.اس.اس و اموس مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

### یافته‌ها

در این پژوهش افراد مورد مطالعه بر اساس ویژگی جمعیت شناختی از لحاظ دامنه سنی بین ۱۳ تا ۱۵ سال بودند. میزان تحصیلات والدین آن‌ها ۱۸/۷ درصد دارای مدرک فوق‌دیپلم، ۳۴/۹ درصد دارای مدرک کارشناسی، ۲۴/۳ درصد دارای مدرک کارشناسی ارشد و ۲۲/۱ درصد دارای مدرک دکتری یا دانشجوی دکتری بودند.

جدول ۱. میانگین، انحراف معیار، مفروضه‌های نمره‌های متغیرهای پژوهش

متغیر	میانگین	انحراف معیار	چولگی	کشیدگی	ضریب تحمل	تورم واریانس	دوربین واتسون
روان رنجورخویی	۱۸/۷۸	۸/۶۶	۰/۰۹	۱/۰۱	۰/۸۱	۱/۲۲	۱/۴۱
برون‌گرایی	۲۴/۱۶	۸/۰۲	۰/۱۳	-۰/۰۸	۰/۸۲	۱/۲۰	۱/۱۸
گشودگی	۱۸/۲۶	۸/۴۲	-۱/۶۳	۱/۳۰	۰/۸۳	۱/۲۰	۱/۱۰
موافق بودن	۱۸/۹۶	۸/۰۳	-۱/۸۵	۱/۳۳	۰/۶۱	۱/۶۳	۱/۱۷
با وجدان بودن	۱۹/۸۴	۷/۱۶	۰/۸۸	۰/۸۴	۰/۶۴	۱/۵۵	۱/۲۳
خرده‌مقیاس مراقب	۲۰/۹۶۶	۱۳/۸۲۵	-۰/۳۳۳	-۱/۳۹۳	۰/۷۷	۱/۶۳	۱/۶۶
خرده‌مقیاس حمایت افراطی	۱۹/۶۰۷	۱۱/۰۷۴	-۰/۱۶۷	-۰/۵۷۳	۰/۶۹	۱/۵۴	

آزار جسمی	۱۷/۷۵	۳/۲۸	-۰/۶۲	۰/۰۳	-	-	-
آزار جنسی	۱۷/۹۵	۳/۵۶	-۰/۷۷	۰/۹۸	-	-	-
غفلت یا بی‌توجهی	۱۸/۹۵	۳/۷۹	۰/۴۹	-۱/۰۳	-	-	-
سوءتغذیه	۱۶/۶۸	۳/۱۴	-۱/۳۸	-۰/۱۰	-	-	-
آزار عاطفی	۱۴/۷۵	۲/۸۷	-۰/۵۰	۱/۷۱	-	-	-

جدول ۲ نشان می‌دهد که چولگی و کشیدگی بین  $\pm 2$  قرار دارند؛ بنابراین توزیع داده‌های متغیرهای پژوهش طبیعی و مقادیر ضریب تحمل و تورم واریانس متغیرهای پیش‌بین بزرگ‌تر از ۰/۱ و کوچک‌تر از ۱۰ است؛ همچنین مقدار دوربین واتسون در فاصله مجاز ۱/۵ تا ۲/۵ قرار دارد؛ بنابراین مفروضه هم خطی بودن نیز در بین متغیرهای پیش‌بین برقرار است.

جدول ۲. ماتریس ضرایب همبستگی متغیرهای پژوهش

متغیر	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲
۱. روان رنجورخویی												
۲. برون‌گرایی	-۰/۱۵**											
۳. گشودگی	-۰/۲۱**	۰/۳۳**										
۴. موافق بودن	-۰/۲۸**	۰/۱۵**	۰/۱۴**									
۵. با وجدان بودن	-۰/۱۳**	۰/۱۳**	۰/۵**	۰/۵۱**								
۶. مراقب بودن	-۰/۳۷**	۰/۳۱**	۰/۳۱**	۰/۳۶**	۰/۳۲**							
۷. حمایت افراطی	۰/۱۰*	-۰/۱۸*	-۰/۱۰*	-۰/۱۵**	-۰/۱۳**	-۰/۱۷**						
۸. آزار جسمی	۰/۱۷**	-۰/۱۰*	-۰/۱۶**	-۰/۱۳**	-۰/۱۲*	-۰/۱۷**	۰/۴۳**					
۹. آزار جنسی	۰/۴۸**	-۰/۳۶**	-۰/۳۰**	-۰/۴۰**	-۰/۲۱**	-۰/۳۰**	۰/۲۳**	۰/۲۵**				
۱۰. غفلت	۰/۲۲**	۰/۲۵**	-۰/۲۶**	-۰/۲۷**	-۰/۳۳**	-۰/۲۱**	-۰/۲۰**	۰/۲۶**	۰/۲۳**			
۱۱. سوءتغذیه	۰/۲۵**	۰/۳۰**	۰/۳۶**	-۰/۳۸**	-۰/۳۸**	-۰/۴۰**	-۰/۲۸**	-۰/۳۳**	۰/۳۱**	۰/۲۰**		
۱۲. آزار عاطفی	۰/۲۵**	-۰/۲۴**	-۰/۱۹**	-۰/۳۳**	-۰/۲۷**	-۰/۲۸**	-۰/۳۰**	۰/۳۱**	۰/۲۷**	۰/۴۰**	-۰/۱۸**	۱

\*\* $P < 0.01$  \* $P < 0.05$

نتایج ضرایب همبستگی جدول ۲ نشان داد که بین آزار عاطفی، آزار جسمی، آزار جنسی، سوءتغذیه و غفلت با روان رنجور خویی رابطه مثبت و بین آزار عاطفی، آزار جسمی، آزار جنسی، سوءتغذیه و غفلت با برون‌گرایی، گشودگی به تجربه، موافق بودن، با وجدان بودن، مراقبت و حمایت افراطی رابطه

منفی دارد. همچنین بین مراقبت و حمایت افراطی با روان رنجوری رابطه منفی و با برون‌گرایی، گشودگی به تجربه، موافق بدون و با وجدان بودن رابطه مثبت معناداری دارد.

جدول ۳. ضرایب مسیر کل و مستقیم بین متغیرهای پژوهش در الگوی ساختاری

مقدار T	$\beta$	خطای استاندارد	ضرایب استاندارد	مسیرهای موجود در الگو
				<b>از روی</b>
				<b>بر</b>
۷/۳۳**	۰/۳۶	۰/۰۹	۰/۴۱**	روان رنجور خویی ← آزار جسمی
۶/۸۱**	۰/۳۰	۰/۱۰	۰/۳۸**	روان رنجور خویی ← آزار جنسی
۵/۵۵**	۰/۲۴	۰/۱۰	۰/۲۹**	روان رنجور خویی ← غفلت
۵/۱۶**	۰/۲۱	۰/۰۷	۰/۳۰**	روان رنجور خویی ← سوء تغذیه
۵/۰۹**	۰/۲۰	۰/۰۸	۰/۳۳**	روان رنجور خویی ← آزار عاطفی
۴/۴۲**	-۰/۱۸	-۰/۱۰	-۰/۳۵**	برون‌گرایی ← آزار جسمی
۵/۷۵**	-۰/۲۵	-۰/۱۱	-۰/۳۸**	برون‌گرایی ← آزار جنسی
۵/۷۲**	-۰/۲۴	-۰/۰۹	-۰/۴۰**	برون‌گرایی ← غفلت
۴/۱۳**	-۰/۱۷	-۰/۰۵	-۰/۳۸**	برون‌گرایی ← سوء تغذیه
۴/۰۶**	-۰/۱۶	-۰/۰۶	-۰/۳۶**	برون‌گرایی ← آزار عاطفی
۴/۵۹**	-۰/۱۸	-۰/۰۹	-۰/۳۰**	گشودگی ← آزار جسمی
۵/۶۳**	-۰/۲۰	-۰/۰۸	-۰/۴۱**	گشودگی ← آزار جنسی
۵/۶۸**	-۰/۲۱	-۰/۱۰	-۰/۴۳**	گشودگی ← غفلت
۴/۲۲**	-۰/۱۹	-۰/۱۰	-۰/۳۸**	گشودگی ← سوء تغذیه
۳/۸۹**	-۰/۱۴	-۰/۱۲	-۰/۳۷**	گشودگی ← آزار عاطفی
۴/۰۳**	-۰/۱۵	-۰/۱۱	-۰/۳۴**	با وجدان بودن ← آزار جسمی
۵/۴۶**	-۰/۲۸	-۰/۰۹	-۰/۳۹**	با وجدان بودن ← آزار جنسی
۴/۰۰**	-۰/۱۶	-۰/۱۰	-۰/۳۰**	با وجدان بودن ← غفلت
۵/۱۱**	-۰/۲۳	-۰/۰۸	-۰/۲۸*	با وجدان بودن ← سوء تغذیه
۴/۴۰**	-۰/۱۹	-۰/۰۶	-۰/۳۸**	با وجدان بودن ← آزار عاطفی
۵/۳۳**	-۰/۲۴	-۰/۰۴	-۰/۳۴**	موافق بودن ← آزار جسمی
۴/۰۳**	-۰/۱۴	-۰/۰۳	-۰/۲۹**	موافق بودن ← آزار جنسی
۴/۱۰**	-۰/۱۵	-۰/۰۵	-۰/۴۰**	موافق بودن ← غفلت
۴/۳۸**	-۰/۱۶	-۰/۰۶	-۰/۳۵**	موافق بودن ← سوء تغذیه
۴/۸۸**	-۰/۲۱	-۰/۰۹	-۰/۳۰**	موافق بودن ← آزار عاطفی
۵/۳۹**	-۰/۲۶	-۰/۱۰	-۰/۲۹**	مراقبت ← آزار جسمی
۴/۴۰**	-۰/۱۸	-۰/۱۰	-۰/۴۰**	مراقبت ← آزار جنسی
۴/۳۴**	-۰/۱۷	-۰/۱۲	-۰/۴۴**	مراقبت ← غفلت
۴/۱۳**	-۰/۱۴	-۰/۰۹	-۰/۳۸**	مراقبت ← سوء تغذیه



مراقبت	←	آزار عاطفی	۰/۴۰**	۰/۱۱	۰/۱۳	۳/۷۸**
حمایت افراطی	←	آزار جسمی	۰/۴۱**	۰/۰۴	۰/۱۹	۴/۸۱**
حمایت افراطی	←	آزار جنسی	۰/۳۸**	۰/۰۵	۰/۲۰	۴/۸۷**
حمایت افراطی	←	غفلت	۰/۳۵**	۰/۰۸	۰/۲۴	۵/۳۴**
حمایت افراطی	←	سوءتغذیه	۰/۳۳**	۰/۰۹	۰/۲۶	۵/۴۱**
حمایت افراطی	←	آزار عاطفی	۰/۳۴**	۰/۰۶	۰/۲۰	۵/۰۰**

\*\*P<۰/۰۱ \*P<۰/۰۵

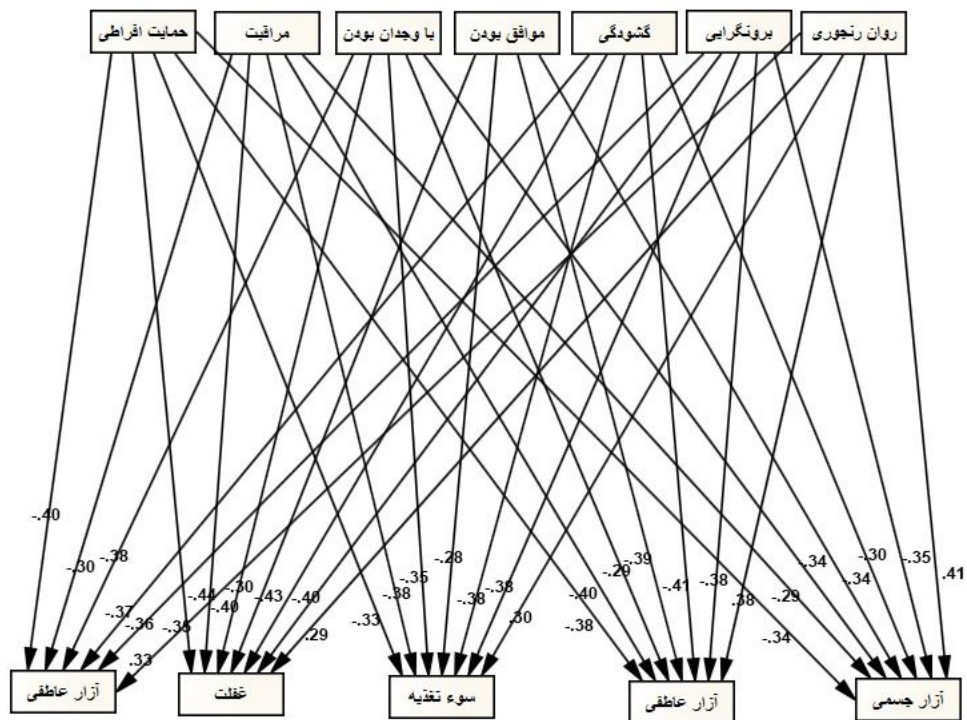
نتایج مدل ضرایب مسیر نشان داد که بین روان رنجوری با کودک آزاری جسمی،  $(\beta=۰/۳۶)$ ، آزار جنسی  $(\beta=۰/۳۰)$ ، غفلت  $(\beta=۰/۲۴)$ ، سوءتغذیه  $(\beta=۰/۳۱)$  و آزار عاطفی  $(\beta=۰/۲۰)$  رابطه مستقیم مثبتی  $(P=۰/۰۱)$  دارد. بین برون‌گرایی کودک آزاری جسمی،  $(\beta=۰/۱۸)$ ، آزار جنسی  $(\beta=۰/۲۵)$ ، غفلت  $(\beta=۰/۲۴)$ ، سوءتغذیه  $(\beta=۰/۱۷)$  و آزار عاطفی  $(\beta=۰/۱۶)$  رابطه مستقیم منفی  $(P=۰/۰۱)$  دارد. بین گشودگی با کودک آزاری جسمی،  $(\beta=۰/۱۸)$ ، آزار جنسی  $(\beta=۰/۲۰)$ ، غفلت  $(\beta=۰/۲۱)$ ، سوءتغذیه  $(\beta=۰/۱۹)$  و آزار عاطفی  $(\beta=۰/۱۴)$  رابطه مستقیم منفی  $(P=۰/۰۱)$  دارد. بین با وجدان بودن با کودک آزاری جسمی،  $(\beta=۰/۱۵)$ ، آزار جنسی  $(\beta=۰/۲۸)$ ، غفلت  $(\beta=۰/۱۶)$ ، سوءتغذیه  $(\beta=۰/۲۳)$  و آزار عاطفی  $(\beta=۰/۱۹)$  رابطه مستقیم منفی  $(P=۰/۰۱)$  دارد و موافق بودن با کودک آزاری جسمی،  $(\beta=۰/۲۴)$ ، آزار جنسی  $(\beta=۰/۱۴)$ ، غفلت  $(\beta=۰/۱۵)$ ، سوءتغذیه  $(\beta=۰/۱۶)$  و آزار عاطفی  $(\beta=۰/۲۱)$  رابطه مستقیم منفی  $(P=۰/۰۱)$  دارد. همچنین از مؤلفه‌های پیوند والدینی مؤلفه مراقبت با کودک آزاری جسمی،  $(\beta=۰/۲۶)$ ، آزار جنسی  $(\beta=۰/۱۸)$ ، غفلت  $(\beta=۰/۱۷)$ ، سوءتغذیه  $(\beta=۰/۱۴)$  و آزار عاطفی  $(\beta=۰/۱۳)$  رابطه مستقیم منفی  $(P=۰/۰۱)$  و مؤلفه حمایت افراطی با کودک آزاری جسمی،  $(\beta=۰/۱۹)$ ، آزار جنسی  $(\beta=۰/۲۰)$ ، غفلت  $(\beta=۰/۲۴)$ ، سوءتغذیه  $(\beta=۰/۲۶)$  و آزار عاطفی  $(\beta=۰/۲۰)$  رابطه مستقیم منفی  $(P=۰/۰۱)$  دارد. با توجه به نتایج ضرایب مستقیم در ادامه به بررسی شاخص‌های

جدول ۴. شاخص‌های برازندگی الگوی ساختاری اصلاح شده

شاخص‌های برازندگی	مقدور کا	میانگین	ریشه خطای	شاخص نیکویی برازش	شاخص نیکویی تطبیقی <sup>۲</sup>	شاخص نیکویی تطبیقی <sup>۴</sup>
الگوی اصلاح شده	۱/۶۵	۰/۰۶۸	۰/۹۶	۰/۹۵	۰/۹۶	۰/۹۶
نقاط برش قابل قبول	$P>۰/۰۵$	$<۰/۰۸$	$>۰/۹۵$	$>۰/۹۰$	$>۰/۹۵$	$>۰/۹۵$

1. Root Mean Square Error of Approximation (RMSEA)
2. Goodness of Fit Index (GFI)
3. Adjusted Goodness of Fit Index (AGFI)
4. Comparative Fit Index (CFI)

جدول ۴ نشان می‌دهد که شاخص‌های برازندگی از برازش قابل قبول برخوردار است و الگوی اندازه‌گیری با داده‌های گردآوری شده برازش دارد. در مقادیر شاخص‌های برازندگی بیانگر برازش قابل قبول الگوی اندازه‌گیری با داده‌های گردآوری شده هستند؛ بنابراین چنین نتیجه‌گیری شد که ویژگی‌های شخصیتی روان رنجوری، برون‌گرایی، گشودگی، موافق بودن و با وجدان بودن و همچنین سبک‌های دلبستگی ایمن، اجتنابی و دوسوگرا، کودک آزاری را در قالب یک الگو پیش‌بینی کردند.



شکل ۱ مدل نهایی پیش‌بینی کودک آزاری بر اساس ویژگی‌های شخصیتی و پیوند والدینی

### بحث و نتیجه‌گیری

در مطالعه حاضر به بررسی رابطه بین ویژگی‌های شخصیتی و پیوند والدین بر شیوع و پیش‌بینی سوءاستفاده از کودکان پرداخته شد و به‌منظور فراهم نمودن اطلاعات بیشتر در مورد چگونگی این رابطه، آسیب‌های ادراک شده کودکی و ارتباط آن‌ها با متغیرهای دیگر را نیز مورد مطالعه قرار دادیم. همبستگی‌های محاسبه شده نشان دادند که بین ویژگی شخصیتی روان رنجوری والدین با سوءاستفاده از کودکان رابطه مثبت معناداری وجود دارد. به عبارتی با بالا رفتن نمرات ویژگی شخصیتی روان رنجوری، نمرات سوءاستفاده از کودکان بارزتر می‌شود. این یافته با نتایج قزلسفلو و رستمی (۱۳۹۴)، ورولیچک-بوسچارت و همکاران (۲۰۱۹)، لیندبرگ و همکاران (۲۰۱۷)، هیلی و همکاران (۲۰۱۵) همسو است. در تبیین این یافته می‌توان گفت که افراد روان رنجور دارای باورهای غیرمنطقی هستند، قدرت کمتری در کنترل تکانه‌ها دارند و انطباق ضعیف‌تری با دیگران دارند و بیشتر مستعد استرس هستند؛ بنابراین چنین افرادی آماده‌ی پرخاشگری و

حالت‌های وابسته به آن از قبیل احساس درماندگی و ناکامی هستند (مانتا و همکاران، ۲۰۱۷). چنین افرادی آمادگی ابراز خشم می‌باشند و یکی از راه‌های تخلیه چنین حالتی در خانواده و به‌ویژه در افراد کودک‌آزار خود کودک است و با آزار و اذیت‌های مختلف از قبیل جسمی، جنسی و عاطفی سعی در تخلیه عصبیت پرخاشگری خود هستند. از طرفی تکانشوری و ناتوانی در کنترل تکانه‌ها موجب کاهش راهبردهای مقابله‌ای سالم شده و رفتارهای ناسازگاری از خود نشان می‌دهند که متعاقب آن دچار حالت‌های منفی عاطفی نظیر افسردگی و اضطراب می‌شوند (لیندبرگ و همکاران، ۲۰۱۵). در این پژوهش، بین ویژگی شخصیتی برون‌گرایی والدین و سو استفاده از کودکان رابطه منفی معناداری وجود دارد. به عبارتی با بالا رفتن نمرات ویژگی شخصیتی برون‌گرایی والدین نمرات سو استفاده از کودکان در آن‌ها کاهش می‌یابد. از ویژگی‌های افراد برون‌گرا دوستدار دیگران بودن، تمایل به شرکت در فعالیت‌های گروهی، فعال بودن و کارهای اجتماعی و این فعالیت‌ها به‌نوبه خود باعث آرامش و کمک به سلامت روانی می‌شود و افراد با این خصوصیات به احتمال کمتری به پرخاشگری و آزار و اذیت دیگران و به‌ویژه کودکان می‌پردازند؛ همچنین، بین ویژگی شخصیتی وظیفه‌شناسی والدین و سو استفاده از کودکان رابطه منفی معناداری وجود دارد. به عبارتی با بالا رفتن نمرات ویژگی شخصیتی وظیفه‌شناسی نمرات سو استفاده از کودکان در افراد در آن‌ها کاهش می‌یابد. افراد در فرایند تکوین و طی مراحل رشد به‌مرور نحوه مدیریت تمایلات و نیازهای خود را یاد می‌گیرند و به مرحله مهمی از رشد یعنی کنترل خویشتن دست می‌یابند و به‌طور فعال وظایف محوله را طراحی، سازمان‌دهی و مدیریت می‌کنند (قرلسفلو و رستمی، ۱۳۹۴). از طرفی افراد با نمرات پایین در این خرده مقیاس افراد فاقد پایبندی به اصول اخلاقی هستند و معمولاً در انجام کارها و زندگی روزمره چندان مصمم نیستند و این خصوصیات فرد را به سمت آسیب‌شناسی روانی، پرخاشگری و رفتارهای ناسالم و به دنبال آن مشکلات مربوط به سلامت روانی سوق می‌دهد و در چنین شرایطی امکان سو استفاده از کودکان افزایش می‌یابد. بین ویژگی شخصیتی انعطاف‌پذیری والدین و سو استفاده از کودکان رابطه منفی معناداری وجود دارد؛ به عبارتی با بالا رفتن نمرات ویژگی شخصیتی انعطاف‌پذیری نمرات سوءاستفاده از کودکان در آن‌ها کاهش می‌یابد (ورولیک-بوسچارت و همکاران، ۲۰۱۹). در بررسی رابطه بین سابقه سو استفاده از کودکان غفلت یا بی‌توجهی و ویژگی شخصیتی انعطاف‌پذیری والدین به دست آمد سطح معناداری آزمون رابطه بین این دو متغیر را تأیید می‌کند و با بالا نمرات ویژگی شخصیتی انعطاف‌پذیری والدین نمرات سو استفاده از کودکان کاهش یافته است (قرلسفلو و رستمی، ۱۳۹۴).

افزون بر آن، در مراقبت و حمایت والدین با کاهش سوءاستفاده از کودکان همراه بوده است، این بدان معناست که کنترل افراطی بالا و یا مراقبت پایین آن‌ها از کودک باعث کاهش شیوع آزار کودک فرزندان می‌شود. سیمارد و همکاران (۲۰۱۱) گزارش داد کودکانی که خود را به عنوان آزاردیده نسبت به پدرشان توصیف کرده بودند، پدرانی داشتند که نمرات آن‌ها نسبت به پدران کودکان آزار ندیده، در مقیاس مراقبت، پایین‌تر از میانگین بود. در اینجا نیز مشاهده می‌کنیم که مؤلفه‌های شخصیتی بر شاخص پیوند والدینی تأثیرگذار بوده‌اند. همچنین افراد دارای سبک‌های شخصیتی متفاوت، در میزان آسیب‌های کودکی ادراک شده متفاوت‌اند که همسو با یافته‌های قبلی، است. در دوران کودکی، جست‌وجو و اکتشاف مربوط به محیط مادی و فیزیکی است، در حالی که در دوران نوجوانی بر استقلال هیجانی و شناختی از والدین تمرکز دارد.

نتایج مطالعه‌ی حاضر به‌طور کلی ارتباط میان مؤلفه‌های شخصیتی، آسیب‌های کودکی و شاخص‌های پیوند والدینی را مشخص نمودند و چگونگی این ارتباط را روشن‌تر کردند. تمام نتایج از تأثیر ویژگی‌های شخصیتی و آسیب‌های ادراک شده بر شاخص پیوند والدینی حمایت کردند. با توجه به یافته‌های پژوهشی گوناگون در مورد مؤلفه‌های تأثیرگذار بر ویژگی شخصیتی پیوند والدینی ضرورت یک پژوهش فرا تحلیل را برای روشن‌سازی یافته‌ها و جمع‌بندی نتایج حاصله از پژوهش‌های متعدد را می‌طلبد. همچنین انجام پژوهش با جامعه آماری و نمونه گسترده جهت تعمیم بهتر نتایج پیشنهاد می‌شود. همچنین بر اساس یافته‌های این پژوهش، پیشنهاد می‌شود تمامی ابعاد روان‌شناختی، خصوصاً ویژگی‌های شخصیتی و سبک‌های ارتباطی والدین کودک‌آزار بیشتر مورد تجزیه و تحلیل قرار گیرد تا در کاهش سوءاستفاده از کودکان در سطح جامعه اقدامات مناسبی انجام گیرد.

### موازین اخلاقی

در این پژوهش موازین اخلاقی شامل اخذ رضایت آگاهانه، تضمین حریم خصوصی و رازداری رعایت شد. همچنین زمان تکمیل پرسشنامه‌ها ضمن تأکید به تکمیل تمامی سؤال‌ها، شرکت‌کنندگان در مورد خروج از پژوهش در هر زمان و ارائه اطلاعات فردی مختار بودند. به آن‌ها اطمینان داده شد که اطلاعات محرمانه می‌ماند و این امر نیز کاملاً رعایت شد. این مقاله برگرفته از رساله دکتری نویسنده اول بود که در تاریخ ۹۷/۱۰/۰۲ به شماره نامه ۹۷۱۹ توسط معاونت پژوهشی دانشگاه آزاد اسلامی واحد مشهد به تصویب رسیده‌است.

### سپاسگزاری

از همکاری مدیران مدارس شهر مشهد و تمامی شرکت‌کنندگان در پژوهش تشکر و قدردانی می‌شود.

### مشارکت نویسندگان

همه نویسندگان این مقاله نقش یکسانی در طراحی، مفهوم‌سازی، روش‌شناسی، گردآوری داده‌ها، تحلیل آماری داده‌ها، پیش‌نویس، ویراستاری و نهایی سازی نوشته داشتند.

### تعارض منافع

بنا بر اظهار نویسندگان، این مقاله حامی مالی و تعارض منافع ندارد.

## منابع

- اسکندری، سجاد، رفاهی، ژاله. (۱۳۹۵). رابطه بین تجربه آزار در کودکی و تمایز یافتگی با رضایت جنسی در زنان و مردان شاغل در اداره آموزش و پرورش شهرستان گراش. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد مرودشت
- بهزادی، بهناز، سروقد، سیروس، و سامانی، سیامک. (۱۳۹۰). تحلیل عامل تأییدی بر نسخه فارسی مقیاس پیوند والدینی پارکر. *مجله روش‌ها و مدل‌های روان‌شناختی*، ۲(۶): ۸۱-۹۸
- بهزادی، بهناز. (۱۳۹۰). بررسی کفایت روانسنجی نسخه فارسی پرسشنامه پیوند والدینی پارکر در جمعیت دانش‌آموزان. پایان‌نامه کارشناسی ارشد روانشناسی عمومی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد مرودشت
- پاکدامن، شهلا، و خانجانی، مهدی. (۱۳۹۰). نقش فرزندپروری ادراک شده در رابطه بین سبک‌های دلبستگی و جمع‌گرایی در دانشجویان. *فصلنامه پژوهش‌های روانشناسی اجتماعی*، ۱(۴): ۸۱-۱۰۲
- پورنقاش‌تهرانی، سیدسعید، و امینی‌تهرانی، محمدعلی. (۱۳۹۸). تأثیر تجربه‌های ناگوار در روابط دوران کودکی بر سلامت روان دانشجویان. *آموزش بهداشت و ارتقای سلامت ایران*، ۷(۲): ۲۳۱-۲۴۴
- نوربخش، محمدرضا. (۱۳۹۲). بررسی رابطه کودک‌آزاری و پرخاشگری در جوانان و نوجوانان غیردانشجوی شهرستان ماکو. پایان‌نامه کارشناسی، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات.
- خراسانی زاده، عاطفه، پورشریفی، حمید، رنجبری پور، طاهره، باقری، فریبرز؛ و پویامنش، جعفر. (۱۳۹۸). الگوی ساختاری رابطه بین الگوهای ارتباطی والد-فرزند و طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه با میانجیگری سبک‌های دلبستگی. *فصلنامه روانشناسی کاربردی*، ۱۳(۱) (پیاپی ۴۹): ۷۶-۵۵
- خوشنویس، الهه، افروز، غلامعلی؛ و اسماعیلی، علیرضا. (۱۳۹۶). تعیین سهم ادراک خطر بر اساس ویژگی‌های شخصیتی در رانندگان خطرآفرین. *فصلنامه روانشناسی کاربردی*، ۸(۲) (پیاپی ۳۰): ۸۴-۷۱
- رحمانی، شمس اله، یارمحمدزاده، پیمان، حبیبی کلایبر، رامین. (۱۳۹۶). الگوی ساختاری رفتاری قلدری بر اساس ادراک‌های محیط خانوادگی و ویژگی‌های شخصیتی در نوجوانان. *فصلنامه روانشناسی کاربردی*، ۱۱(۲) (پیاپی ۴۲): ۲۳۷-۲۵۳
- رستمی، مهدی، سعادت، نادره؛ و قزلسفلو، مهدی. (۱۳۹۴). بررسی رابطه‌ی تجربه آزار دیدگی در کودکی با شیوه‌های مقابله با تنش و طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه. *مجله اصول بهداشت روانی*، ۶(۱۷): ۲۶۹-۲۷۷
- رستمی، مهدی، عبدی، منصور، و حیدری، حسن. (۱۳۹۳). بررسی انواع بدرفتاری در دوران کودکی با بخشش خانواده اصلی و خانواده فعلی در افراد متأهل. *فصلنامه اندیشه و رفتار*، ۸(۳۲): ۸۹-۷۷
- سعیدی، زینب. (۱۳۹۱). رابطه شیوه‌های فرزند پروری و دلبستگی به دیگران با مسئولیت‌پذیری بین دانش‌آموزان دختر دوره متوسطه. پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته روانشناسی تربیتی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز.
- قزلسفلو، مهدی، و رستمی، مهدی. (۱۳۹۴). بررسی رابطه کودک‌آزاری با ویژگی‌های شخصیتی و رفتار پرخطر. *مجله علوم پزشکی کرمانشاه*، ۲(۱۹): ۱۰۱-۹۳
- ملازاده، جواد. (۱۳۸۱). رابطه سازگاری زناشویی با عوامل شخصیت و سبک‌های مقابله‌ای در فرزندان شاهد. رساله دکتری روانشناسی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه تربیت مدرس

هاشمی، سعدالله، درتاج، فریبرز، سعدی پور، اسماعیل، اسدزاده، حسن. (۱۳۹۶). الگوی ساختاری احساسات شرم و گناه بر اساس شیوه‌های فرزندپروری والدین: نقش واسطه‌ای سبک‌های دلبستگی. *فصلنامه روانشناسی کاربردی*، ۱۱(۴ پاییز): ۴۹۳-۴۷۵.

### References

- Lindberg DM, Wood JN, Campbell KA, Scribano PV, Laskey A, Leventhal JM, ... Runyan DK. Research priorities for a multi-center child abuse pediatrics network - capnet. *Child Abuse Negl.* 2017;65:152-157
- Lee, H. Y. & Kim, Y. K. (2011) Gender effect of catechol-o-methyltransferaseval158met polymorphism on suicidal behaviour. *Neuropsychobiology*, 63(3):82-177
- Healy, K. L., Sanders, M. R., & Iyer, A. (2015). Facilitative parenting and children's social, emotional and behavioral adjustment. *Journal of Child and Family Studies*, 24(6), 1762-1779
- Manetaa, EK., Cohen S., Schulz M.S., & Waldinger R.J. (2015). Linkages between childhood emotional abuse and marital satisfaction: The mediating role of empathic accuracy for hostile emotions. *Child Abuse Negl*, 44:8-17
- Rothon, C., Head, J., Klineberg, E., & Stansfeld, S. (2011). Can social support protect bullied adolescents from adverse outcomes? A prospective study on the effects of bullying on the educational achievement and mental health of adolescents at secondary schools in East London. *Journal of Adolescence*, 34(1):471-483.
- Salcun, S. (2015). New frontiers and applications of attachment theory. *Frontiers in Psychology*, 6(1): 1-3
- Simard, V., Moss, E., & Pascuzzo, K. (2011). Early maladaptive schemas and child and adult attachment: A 15-year longitudinal study. *Psychol Psychother*, 84(4):349-366.
- Tasi, M. H., Chen, Y. H., Chen, C. D., Hsiao, C. Y., & Chien, C. H. (2011). Deliberate self-harm by Taiwanese adolescents. *Acta Paediatr*, 100(11): 117-128.
- Vroljik-Bosschaart T. F., Brilleslijper-Kater S. N. & Verlinden E. (2018). A Descriptive Mixed-Methods Analysis of Sexual Behavior and Knowledge in Very Young Children Assessed for Sexual Abuse: The ASAC Study. *Frontiers in Psychology*, 9; 16-27

\*\*\*

### پرسشنامه ویژگی‌های شخصیتی چندعاملی نثو

عبارت					
کاملاً موافقم	مواقفم	خنثی	مخالفم	کاملاً مخالفم	
۵	۴	۳	۲	۱	۱. من اصولاً شخص نگرانی نیستم.
۵	۴	۳	۲	۱	۲. دوست دارم همیشه افراد زیادی دور و برم باشند.
۵	۴	۳	۲	۱	۳. دوست ندارم وقتم را با خیال پردازی تلف کنم.
۵	۴	۳	۲	۱	۴. سعی میکنم در مقابل همه مودب باشم.
۵	۴	۳	۲	۱	۵. وسایل متعلق به خود را تمیز و مرتب نگاه می‌دارم.
۵	۴	۳	۲	۱	۶. اغلب خود را کمتر از دیگران حس میکنم.
۵	۴	۳	۲	۱	۷. زود به خنده می‌افتم.
۵	۴	۳	۲	۱	۸. هنگامیکه راه درست، کاری را پیدا کنم، آن روش را همیشه در آن مورد تکرار میکنم.
۵	۴	۳	۲	۱	۹. اغلب با فامیل و همکارانم بگو مگو دارم.
۵	۴	۳	۲	۱	۱۰- به خوبی می‌توانم کارهایم را طوری تنظیم کنم که درست سر زمان تعیین شده انجام شوند.
۵	۴	۳	۲	۱	۱۱- هنگامیکه تحت فشارهای روحی زیادی هستم، گاه احساس میکنم دارم خرد می‌شوم.

۵	۴	۳	۲	۱	۱۲- خودم را فرد خیلی سر حال و سر زنده ای نمی دانم.
۵	۴	۳	۲	۱	۱۳- نقش‌های موجود در پدیده‌های هنری و طبیعت مرا مبهوت میکند.
۵	۴	۳	۲	۱	۱۴- بعضی مردم فکر میکنند که من شخصی خود خواه و خود محورم.
۵	۴	۳	۲	۱	۱۵- فرد خیلی مرتب و منظمی نیستم.
۵	۴	۳	۲	۱	۱۶- به ندرت احساس تنهایی و غم میکنم.
۵	۴	۳	۲	۱	۱۷- واقعا از صحبت کردن با دیگران لذت می برم.
۵	۴	۳	۲	۱	۱۸- فکر میکنم گوش دادن دانشجویان به مطالب متناقض فقط به سردرگمی و گمراهی آن‌ها منجر خواهد شد.
۵	۴	۳	۲	۱	۱۹- همکاری را بر رقابت با دیگران ترجیح می دهم.
۵	۴	۳	۲	۱	۲۰- سعی میکنم همه کارهایم را با احساس مسولیت انجام دهم.
۵	۴	۳	۲	۱	۲۱- اغلب احساس عصبی بودن و تنش میکنم.
۵	۴	۳	۲	۱	۲۲- همیشه برای کار آماده ام.
۵	۴	۳	۲	۱	۲۳- شعر تقریباً اثری بر من ندارد.
۵	۴	۳	۲	۱	۲۴- نسبت به قصد و نیت دیگران حساسمشوک هستم.
۵	۴	۳	۲	۱	۲۵- دارای هدف روشنی هستم و برای رسیدن به آن طبق برنامه کار میکنم.
۵	۴	۳	۲	۱	۲۶- گاهی کاملاً احساس بی ارزشی میکنم.
۵	۴	۳	۲	۱	۲۷- غالباً ترجیح می دهم کارها را به تنهایی انجام دهم.
۵	۴	۳	۲	۱	۲۸- اغلب غذاهای جدید و خارجی را امتحان میکنم.
۵	۴	۳	۲	۱	۲۹- معتقدم اگر به مردم اجازه دهید، اکثر آن‌ها از شما سوءاستفاده میکنند.
۵	۴	۳	۲	۱	۳۰- قبل از شروع هر کاری وقت زیادی را تلف میکنم.
۵	۴	۳	۲	۱	۳۱- به ندرت احساس اضطراب یا ترس میکنم.
۵	۴	۳	۲	۱	۳۲- اغلب احساس میکنم سرشار از انرژی هستم.
۵	۴	۳	۲	۱	۳۳- به ندرت به احساسات و عواطفیکه محیط‌های متفاوت به وجود می آورند توجه میکنم.
۵	۴	۳	۲	۱	۳۴- اغلب آشنایانم مرا دوست دارند.
۵	۴	۳	۲	۱	۳۵- برای رسیدن به اهدافم شدیداً تلاش میکنم.
۵	۴	۳	۲	۱	۳۶- اغلب از طرز برخورد دیگران با خودم عصبانی می شوم.
۵	۴	۳	۲	۱	۳۷- فردی خوشحال و بشاش و دارای روحیه خوبی هستم.
۵	۴	۳	۲	۱	۳۸- معتقدم که هنگام تصمیم‌گیری درباره مسائل اخلاقی باید از مراجع مذهبی پیروی کنیم.
۵	۴	۳	۲	۱	۳۹- برخی فکر میکنند که من فردی سرد و حسابگر هستم.
۵	۴	۳	۲	۱	۴۰- وقتی قول یا تعهدی می دهم، همواره می‌توانم برای عمل به آن روی من حساب کرد.
۵	۴	۳	۲	۱	۴۱- غالباً وقتیکارها پیش نمی روند، دلسرد شده و از کار صرف نظر میکنم.
۵	۴	۳	۲	۱	۴۲- شخص با نشاط و خوش بینی نیستم.
۵	۴	۳	۲	۱	۴۳- بعضی اوقات وقتی شعری را می‌خوانم یا یککار هنری را تماشا میکنم، یک احساس لرزش و یک تکان هیجانی را حس میکنم.
۵	۴	۳	۲	۱	۴۴- در روش‌هایم سرسخت و بی‌انعطاف هستم.
۵	۴	۳	۲	۱	۴۵- گاهی آن‌طور که باید و شاید قابل اعتماد و اتکاء نیستم.
۵	۴	۳	۲	۱	۴۶- به ندرت غمگین و افسرده می شوم.
۵	۴	۳	۲	۱	۴۷- زندگی و رویدادهای آن برایم سریع می‌گذرند.
۵	۴	۳	۲	۱	۳۳- به ندرت به احساسات و عواطفیکه محیط‌های متفاوت به وجود می آورند توجه میکنم.
۵	۴	۳	۲	۱	۳۴- اغلب آشنایانم مرا دوست دارند.
۵	۴	۳	۲	۱	۳۵- برای رسیدن به اهدافم شدیداً تلاش میکنم.
۵	۴	۳	۲	۱	۳۶- اغلب از طرز برخورد دیگران با خودم عصبانی می شوم.
۵	۴	۳	۲	۱	۳۷- فردی خوشحال و بشاش و دارای روحیه خوبی هستم.
۵	۴	۳	۲	۱	۳۸- معتقدم که هنگام تصمیم‌گیری درباره مسائل اخلاقی باید از مراجع مذهبی پیروی کنیم.
۵	۴	۳	۲	۱	۳۹- برخی فکر میکنند که من فردی سرد و حسابگر هستم.

۵	۴	۳	۲	۱	۴۰- وقتی قول یا تعهدی می‌دهم، همواره می‌توان برای عمل به آن روی من حساب کرد.
۵	۴	۳	۲	۱	۴۱- غالباً وقتیکارها پیش نمی‌روند، دلسرد شده و از کار صرف نظر میکنم.
۵	۴	۳	۲	۱	۴۲- شخص با نشاط و خوش بینی نیستم.
۵	۴	۳	۲	۱	۴۳- بعضی اوقات وقتی شعری را می‌خوانم یا یککار هنری را تماشا میکنم، یک احساس لرزش و یک تکان هیجانی را حس میکنم.
۵	۴	۳	۲	۱	۴۴- در روش‌هایم سرسخت و بی‌انعطاف هستم.
۵	۴	۳	۲	۱	۴۵- گاهی آن‌طور که باید و شاید قابل اعتماد و اتکاء نیستم.
۵	۴	۳	۲	۱	۴۶- به ندرت غمگین و افسرده می‌شوم.
۵	۴	۳	۲	۱	۴۷- زندگی و رویدادهای آن برایم سریع می‌گذرند.
۵	۴	۳	۲	۱	۴۸- علاقه‌ای به تامل و تفکر جدی درباره سرنوشت و ماهیت جهان یا انسان ندارم.
۵	۴	۳	۲	۱	۴۹- عموماً سعی میکنم شخصی با ملاحظه و منطقی باشم.
۵	۴	۳	۲	۱	۵۰- فرد مولدی هستم که همیشه کارهایم را به اتمام می‌رسانم.
۵	۴	۳	۲	۱	۵۱- اغلب احساس درماندگی میکنم و دنبال کسی می‌گردم که مشکلاتم را برطرف کند.
۵	۴	۳	۲	۱	۵۲- شخص بسیار فعالی هستم.
۵	۴	۳	۲	۱	۵۳- من کنجکاوی فکری فراوانی دارم.
۵	۴	۳	۲	۱	۵۴- اگر کسی را دوست نداشته باشم، می‌گذارم متوجه این احساسم بشود.
۵	۴	۳	۲	۱	۵۵- فکر نمیکنم که هیچ وقت بتوانم فردی منطقی بشوم.
۵	۴	۳	۲	۱	۵۶- گاهی آنچنان خجالت زده شده‌ام که فقط می‌خواستم خود را پنهان کنم.
۵	۴	۳	۲	۱	۵۷- ترجیح می‌دهم که برای خودم کار کنم تا راهبر دیگران باشم.
۵	۴	۳	۲	۱	۵۸- اغلب از کلنجار رفتن با نظریه‌ها یا مفاهیم انتزاعی لذت می‌برم.
۵	۴	۳	۲	۱	۵۹- اگر لازم باشد می‌توانم برای رسیدن به اهدافم دیگران را به‌طور ماهرانه‌ای به کار بگیرم.
۵	۴	۳	۲	۱	۶۰- تلاش میکنم هر کاری را به نحو ماهرانه‌ای انجام دهم.

\*\*\*

### مقیاس خودگزارشی کودک آزاری

عبارت					
نقطه زیاد	متوسط	کم	نقطه کم		
۵	۴	۳	۲	۱	۱. از والدینم به دفعات کتک خورده‌ام.
۵	۴	۳	۲	۱	۲. والدینم همیشه در حضور من جوک‌های جنسی برای هم تعریف می‌نمودند.
۵	۴	۳	۲	۱	۳. والدینم در هنگام عصبانیت به من بی‌توجهی نشان داده‌اند.
۵	۴	۳	۲	۱	۴. هنگامی که والدینم خشمگین می‌شدند، مرا از خوردن شام یا نهار منع می‌کردند.
۵	۴	۳	۲	۱	۵. به خاطر نخواندن درس همیشه مورد تنبیه بدنی قرار می‌گرفتم.
۵	۴	۳	۲	۱	۶. والدین و افراد فامیلم بارها در دوران کودکی‌ام سعی در تحریک غریزه جنسی‌ام داشته‌اند.
۵	۴	۳	۲	۱	۷. هنگامی که اشتباهی مرتکب می‌شدم، والدینم مرا از خانه بیرون می‌کردند.
۵	۴	۳	۲	۱	۸. کمتر در دوران کودکی و نوجوانی خود اجازه داشته‌ام خوراکی‌های مورد علاقه‌ام را بخورم.
۵	۴	۳	۲	۱	۹. چندین مورد در دوران کودکی‌ام مرا مجبور به مشاهده روابط جنسی بزرگسالان، تصاویر، فیلم و... کرده‌اند.
۵	۴	۳	۲	۱	۱۰. در دوران کودک فرد یا افراد بزرگسالی خود را عریان به من نشان می‌دادند.
۵	۴	۳	۲	۱	۱۱. هیچ‌وقت احساس حمایت مالی و یا اجتماعی از سوی خانواده‌ام را نداشته‌ام.
۵	۴	۳	۲	۱	۱۲. در خانواده من هیچ‌وقت به بهداشت مواد غذایی و نیز مناسب بودن آن توجه نشده است.
۵	۴	۳	۲	۱	۱۳. سابقه سوختگی پوست با اشیاء داغ توسط افراد خانواده‌ام را دارم.
۵	۴	۳	۲	۱	۱۴. در دوران کودکی‌ام از طرف افراد خانواده‌ام (با فامیل و دوستان) مورد تجاوز جنسی قرار گرفته‌ام.






۵	۴	۳	۲	۱	۱۵. خانواده‌ام در هنگام مرضی به من بی‌توجه بودند.
۵	۴	۳	۲	۱	۱۶. هیچ‌وقت نتوانسته‌ام همانند همسالانم از تغذیه خوبی برخوردار باشم.
۵	۴	۳	۲	۱	۱۷. سابقه تنبیه شدن با شلاق و یا کمر بند و ... را دارم.
۵	۴	۳	۲	۱	۱۸. برخلاف میل من، والدینم مرا کاملاً لخت به حمام می‌بردند.
۵	۴	۳	۲	۱	۱۹. خانواده‌ام هیچ‌وقت به صحبت‌های من توجهی نشان نمی‌دادند.
۵	۴	۳	۲	۱	۲۰. به‌ندرت در مورد میل من به نوع غذا (در شام یا نهار) ازم سؤال می‌شد.
۵	۴	۳	۲	۱	۲۱. من از طرف خانواده‌ام طرد می‌شدم.
۵	۴	۳	۲	۱	۲۲. خانواده‌ام همیشه مرا با دوستان و یا بچه‌های فامیل مورد مقایسه قرار می‌دادند.
۵	۴	۳	۲	۱	۲۳. هیچ‌وقت والدینم به من ابراز احساسات ننموده‌اند.
۵	۴	۳	۲	۱	۲۴. هیچ‌وقت خانواده‌ام مرا در جهت پیشبرد امور تحصیلی‌ام تشویق ننموده‌اند.
۵	۴	۳	۲	۱	۲۵. در دوران کودکی‌ام بارها نسبت به من الفاظی مانند "به‌دردنخور" و "دست‌وپا چلفتی" خطاب می‌کردند.

\*\*\*

### پرسشنامه پیوند خانوادگی

ردیف	خیلی زیاد	زیاد	کم	خیلی کم	عبارات
۱	۳	۲	۱	۰	با من با صدایی گرم و دوستانه صحبت می‌کردند.
۲	۰	۱	۲	۳	به میزانی که نیاز داشتم به من کمک نمی‌کردند.
۳	۰	۱	۲	۳	به من اجازه می‌دادند کارهایی که دوست داشتم را انجام دهم.
۴	۰	۱	۲	۳	به نظر می‌رسید از لحاظ عاطفی با من سرد بودند.
۵	۳	۲	۱	۰	به نظر می‌رسید مشکلات و نگرانی‌های مرا درک می‌کردند.
۶	۳	۲	۱	۰	با من مهربان بودند.
۷	۰	۱	۲	۳	دوست داشتند برای من تصمیم بگیرند.
۸	۳	۲	۱	۰	نمی‌خواستند من بزرگ شوم.
۹	۳	۲	۱	۰	سعی در کنترل بر هر کاری که من انجام می‌دادم، داشتند.
۱۰	۳	۲	۱	۰	به حریم خصوصی من تجاوز می‌کردند.
۱۱	۳	۲	۱	۰	علاقه مند بودند که در مورد مسائل با من مکرر گفتگو کنند.
۱۲	۳	۲	۱	۰	بارها به من لیخنند می‌زدند.
۱۳	۳	۲	۱	۰	مانند یک بچه از من مراقبت می‌کردند.
۱۴	۰	۱	۲	۳	به نظر نمی‌رسید نیازها و خواسته‌های من را درک کنند.
۱۵	۰	۱	۲	۳	به من اجازه تصمیم گرفتن در مورد امور خودم را می‌دادند.
۱۶	۰	۱	۲	۳	به من این احساس را می‌دادند که خواستنی نبودم.
۱۷	۳	۲	۱	۰	وقتی من عصبانی بودم می‌توانستند به من احساس بهتری بدهند.
۱۸	۰	۱	۲	۳	با من زیاد صحبت نمی‌کردند.
۱۹	۳	۲	۱	۰	سعی می‌کردند من را به خودشان وابسته کنند.
۲۰	۳	۲	۱	۰	احساس می‌کردند نمی‌توانم از خودم مراقبت کنم، مگر آنکه آنها اطراف من باشند.
۲۱	۰	۱	۲	۳	به من همان قدر که می‌خواستم آزادی می‌دادند.
۲۲	۰	۱	۲	۳	به من اجازه می‌دادند هر قدر که می‌خواهم بیرون بروم.
۲۳	۳	۲	۱	۰	از من حمایت بیش از حد می‌کردند.
۲۴	۰	۱	۲	۳	مرا تحسین نمی‌کردند.
۲۵	۰	۱	۲	۳	به من اجازه می‌دادند که هرگونه خوشم می‌آید لباس بپوشم.

## Designing an Appropriate Structural Model for Predicting Child Abuse Based on Personality Traits and Parental Bonding

Tahmineh. Bahmani , Naziasadat. Nasserri \*<sup>r</sup> & Elham. Fariborzi 

### Abstract

**Aim:** The present study aimed to determine the structural model for predicting child abuse based on personality traits, and parental bonding. **Methods:** The study was descriptive-correlational, and the statistical population consisted of 248594 high school girls in Mashhad in 2017-2019, and 384 girls and their parents were selected using multi-stage random sampling. The research tools included the personality trait questionnaire by McCrae and Costa (1989), the Parental Bonding Instrument (PBI) by Gordon Parker (1979), and the Childhood Trauma Questionnaire (CTQ) by Bernstein et al. (2003). The data were analyzed using correlation coefficients, and the path analysis structural model. **Results:** The results indicated that designing a structural model for predicting child abuse based on parental personality traits, and parental bonding was consistent with the theoretical model and had a good fit. The results also indicated a significant positive correlation between parental bonding in care and emotional support with personality traits, namely extraversion, conscientiousness, agreeableness, and responsibility ( $P=0.01$ ), and a significant negative correlation with emotional harassment, physical harassment, sexual harassment, neglect, and malnutrition ( $P=0.01$ ). Furthermore, there was a direct significant effect of parental bonding in care, emotional support, parents' personality traits, the contribution of neuroticism, extraversion, openness to experience, agreeableness, and conscientiousness on child abuse ( $P=0.01$ ). **Conclusion:** The study indicated the need to investigate personality traits and strategies of parents to deal with children, as well as the importance of parental bonding to know more parents and develop appropriate treatment programs.

**Keywords:** Child Abuse; Parental emotional bonding; Personality traits

---

1. Department of Educational Sciences, Mashhad Branch, Islamic Azad University, Mashhad, Iran

2. \*Corresponding Author: Department of Educational Sciences, Mashhad Branch, Islamic Azad University, Mashhad, Iran  
[dr.naseri@mail.com](mailto:dr.naseri@mail.com)

3. Department of Educational Sciences, Mashhad Branch, Islamic Azad University, Mashhad, Iran